عبدالرحمن مي گفت : به فجيره نرفتم و با

مانند دیوانه ها شده بودم دو روز بود که لب به آب و غذا نزده بودم ،خودم را مقصر

یک گلف که از دبی باز می گشت به بندرعباس

مى دانستم و از طرفى خانواده اش نيز مرا

تصادف وانت پیکان و کامپون خاور در دور راهی تازیان

حدود ساعت ۱۷:۵۵ مورخ ۸۶/۱۰/۹ در دور اهی تازیان واقع در جاده اسکاه شهید رجایی باعث قرار گرفتن آن در مسیر کامیون شده و یکدستگاه وانت پیکان با کامیون خاور این سانحه رخ داده است. خسارت مالی وارده شده به

طبق گزارش انحراف به چپ وانت برخورد کرد و یک نفر زخمی برجای دودستگاه خودرو حدوداً ۴۰ میلیون ریال بر آوردشده







با تشکر از سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی بندرعباس

ا به قربانگاه

باز هم زمستان شد و فصل باران و سرما، فصل بادهای ویرانگر و خاطره انگیز ،نه خاطره شیرین که خاطراتی تلخ و غمناك ،هر وقت باد در میان درختان گل ابریشم و اکالیتوس زوزه می کشد یاد آن روز کزایی می افتم،روزی که بی محابا سرنوشت تلخ و شومی رقم می خورد و من غافل از همه چیز و همه جا فقط می رفتم و می دویدم ، انگار کسی وادارم کرده بود که باید هر چه زودتر همه چیز را تمام کنم و مهر باطلی بر حیات جانداری

آن روز ها آنقدر شتاب و عجله داشتم که خودم نمی دانم برای چه بود ، زمستان فصل سرما و باران فصل جدایی و هجران عزیزی است که هرگز برنخواهد گشت .ايرج همسرم طي يک مجادله و بحث شديد با من مدتى قهركرد ، دعوايمان برسربيكارى او بود ، جواني تحصيلكرده و فهميده ، فارغ التحصيل از يكي از دانشگاههای معتبر کشور و مسلط به زبان انگلیسی و من پرستار یکی از کلینیک های بندرعباس بودم ،درآمد ماهیانه ام مناسب و مکفی بود اما ایرج مدتها بود که دنبال کار مناسبی بود و به هر جا سرمی زد جواب رد می گرفت . یکسال بود که به عقد او در آمده بودم و هنوز فرصت مناسبی برای برگزاری مراسم ازدواج و تشكيل خانواده برايمان پيش نيامده

دیگر طاقت هردویمان تمام شده بود و خانواده ها هم مرتب فشار مي آوردند كه هرچه زودتر زيريك سقف برويم تا شايد أختلافاتمان كاهش پيدا کند . هر دو بهم علاقمند بودیم و می خواستیم که هر چه زودتر سرو سامان بگیریم اما مشکلات اقتصادی همچون سدى مانع بود .

ايرج همسايه مان بود و از سالها قبل بهم علاقمند بودیم ، هر دو از خانواده های فرهنگی و سرشناسی بودیم و رابطه بسیار صمیمی و عمیقی بین خانواده ها برقرار بود، بعد از دو ماه نامزدی طی یک مراسم باشکوه به عقد هم در آمدیم . انگار دنیا را بهم داده بودند ایرج را خیلی دوست داشتم از همه مهمتر که او نیزعلاقه شدیدی به من داشت و این را می شد از رفتار و حركاتش فهميد ، تازه فارغ التحصيل شده بود و آرزوهای بزرگ و زیبایی داشت ، اما متاسفانه هر جا بدنبال کار می رفت ، به هر شرکت و موسسه ای سر می زد می گفتند برو خبرت مى كنيم، با شما تماس مى گيريم و ... يك جوان بومى با این همه استعداد دربدر دنبال یک کار مناسب بود و هیچکس به تخصص او نیازی نداشت ویا اگر نیاز

یک دعوای شدید بین ما در گرفت و او بصورت قهر مرا ترک کرد و گفت : می خواهد به دبی برود و آنجا کار کند که من مخالف بودم ۱۰ روز برگشتم و از دیگران خبری ندارم . ازش بی خبر بودم ، مرتب دلم شور می زد و غرورم اجازه نمی داد که تماس بگیرم یا از خانواده اش جویای احوالش باشم بخاطر فشارهای زیاد به ایرج مقصر می دانستند. در یک روز سرد زمستانی که باد و باران

امان همه را بریده بود تلفنم بصدا درآمد و حميرا خواهر ايرج بعد از احوالپرسي از ايرج

. نگران شدم و گفتم : مدتی است که ازش خبر ندارم و نمی دانم کجاست ، حمیرا گفت : یک هفته پیش با لنج یکی از دوستانش به دبی رفته و تا بحال تماس نگرفته است بنابراین بسراغ من آمده بودند تا شاید خبری از ایرج به آنها بدهم . من که نگرانتر و عصبى تر از هميشه بودم بلافاصله بدنبال ایرج گشتم ، به هر جا که فکر می کردم سر زدم هیچکدام از دوستانش اطلاعی از ایرج نداشتند تا بالاخره رضا گفت : ايرج قاچاقى

ايرج همسرم طي يك مجادله و بحث شدید با من مدتی قهر کرد ، دعوایمان بر سر بیکاری او بود ، جوانی تحصيلكرده و فهميده ، فارغ التحصيل ازیکی از دانشگاههای معتبر کشور و مسلط به زبان انگلیسی و من یرستار یکی از کلینیك های بندرعباس بودم

برابر با۲۷ ذي الحجه ۱۴۲۸

تحت استرس های روحی قرار داشتم ۱۰ روز دوندگی کردم و بدنبال ردپایی از او می گشتم که متاسفانه به هیچ خبری نرسیدم . همه اظهار بی اطلاعی می کردند ، ایرج قاچاقی از کشور خارج شده بود و هیچ کاری نمی توانستم بكنم ،باز هم باران و سرما ، باد وطوفان ، غم دنیا را به دلم ریخته بود.

نوای صوت قرآن از خانه ایرج پخش می شد و پدرش تصمیم گرفته بود مراسم ختمی برگزار كند ،چطور دلشان آمده بود . من هنوز اميد داشتم که ایرج بر می گردد اما آنها ظالمانه مراسم ختم برگزار کردند .

فقط یکبار به خانه شان رفتم و دیگر رغبتی برای رفتن به آن خانه نداشتم ، از زندگی بیزار شده بودم یکماه مرخصی گرفتم ، دست و دلم به هیچ کاری نمی رفت و انگیزه ای برای زندگی نداشتم . تا مرز افسردگی پیش رفتم و با کمکهای یکی از دوستان دوباره سلامتی نسبی خود را باز

امروز ٤ سال از آن تاريخ مي گذرد ، دوباره او خبری بگیرم ،دیگر تمام ناخداهای اسکله به دبی و فجیره رفته ام و به تمام جاهایی که فکر می کردم سرزدم تا شاید نشانی از ایرج بگیرم اما انگار او مسافر دریا بود و به انتهای سفرش بلاخره بعد از دو روز جاشویی بنام رسیده بود و هرگز بسوی من بازنگشت ٤ . سال هنوز قاب عکس ایرج و یاد و خاطره هایش

زندگی ام را پر کرده است و هنوز منتظرم که روز*ی* او برگردد . بیاید و مرا از این نگرانی نجات دهد . ای کاش می دانستم که او بر می گردد . هنوز فصل

گفت: به دبی می روم و کار می کنم و به همه ثابت می هیچکس اطلاعی در دست نبود حتی خدمه کشتی و کنم که عرضه کارکردن دارم و من هنوز منتظر مسافر



داشتند نیروهای بومی خودرا از محل سکونت خود از با لنج یکی از دوستان او به دبی رفته و قرار اقصى نقاط كشور به هرمزگان مى آوردند و پست و شغل یک جوان بومی به اشتغال یک نیروی غیر بومی در می آمد . من و ایرج، هر دو نگران پیدا کردن یک شغل مناسب بوديم تا هرچه زودتر بتوانيم زندگيمان را شروع کنیم در این بین فشارهای روحی و روانی زیادی بر او وارد می شد فشار من و خانواده ام از تاب و توانش را گرفته بود .

اوایل خیلی سعی می کردم که زیاد سخت نگیرم و به همین شکل هم بود اما کم کم منهم تحت تاثیر فشارهای زندگی قرار گرفتم، در طی این مدت ایرج علیرغم علاقه شدیدی که به من داشت حتی یک هدیه كوچك مم برايم نخريده بود و هيچگاه با هم بيرون نمی رفتیم و بیشتر اوقات من صرف کار در کلینیک مى نشست و بدنبال فرصت شغلى مناسب

خلاصه این شده بود روال یکنواخت زندگی مرتب تلفنی با هم صحبت می کردیم ، هر چه پیش می رفتیم فاصله ما بیشتر می شد و احساس می کردم شاید علاقه مان هم داشت کم می شد . بعد از یکسال درست درسالگرد عقدمان ناخدا.

بود دیروز برسند ولی تا بحال خبری از آنها نشده است . دلشوره به تمام جانم چنگ زده بود نمی دانستم چکار باید بکنم فقط با عجله می رفتم به هر جا که فکر می کردم سر می زدم ۲۶ ساعت تمام بیدار بودم فقط تلاش می کردم تا از یکطرف و فشارهای خانواده خودش هم از سویی دیگر مرا می شناختند و می دانستند که گمشده ای

عبدالرحمن از دریا بازگشت ، اما چه بازگشتی ، عبدالرحمن ،ایرج را می شناخت و می گفت در لنج به بقیه خیلی کمک کرده است ،او گفت : بعد از چند ساعت حرکت ، دریا طوفانی شد و هر گاه باران می بارد و باد می آید بسوی ساحل بعلت بارندگی تردد دریایی غیر مجاز بوده می روم و ساعتها به انتظار می ایستم شاید او داده بودن که در تاریکی هوا و بدی دریا حرکت کنند تا گشت دریا آنها را متوقف نکند نیمه های سرما و باران و زوزه باد در میان درختان شب طوفان شدید منجر به غرق شدن لنج مرا به یاد ایرج و دعوای سختی که کردیم افتاده بود، عده ای جان سالم بدر برده اند البته آنهایی که شناگر بودند و دیگر از

سپری می شد و او نیز همیشه در اتاقش پشت کامپیوتر و لنج آنها که حامل مسافران قاچاقی بود ترجیح ما،تقریبا هفته ای دوبار همدیگرو می دیدیم و هرروز شده بود و این اتفاق در نزدیکی فجیره می اندازد.

آگهی مزایده نوبت اول

۳ - تعیین اینکه ملک ثبت شده آست یا نه ٤-تعيين اينكه ملك در اجاره است يا نه و اگر در اجاره است مدت و ميزان اجاره

٥ -تصريح به اينكه ملك مشاع يا مفروز و چه مقدار از آن فروخته مي شود

٦ -تعيين حقوقي كه اشخاص نسبت به آن ملك تحت هر عنوان دارند

۷ -قیمتی که مزایده از آن شروع می شود ۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۸ - ساعت و روز و محل مزایده چهآرشنبه مورخه ۱۸۸/۱۱/۱۰ ساعت ۱۱ صبح

و فعلاً در اختیار اَقای /خانم محکّوم علیه می باشد و اموالبه مّبلغ ۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ارزیابی و کارشناسی شده است

١ - فروش نقدى است حداكثر مهلت پرداخت بها ءسه روز مي باشد

۲ - كليه هزينه هاى مربوط به معامله از هر قبيل و از هر جهت بعهده خريدار است

شعبه دادگستری تودیع و قبض سپرده را به این اجرا تحویل نمایند . ٤ - اجراى احكام در رديا قبول پيشنهادات مختار است .

احتمالي قيمت و خساراتي كه از تجديد مزايده حاصل شود خواهد بود كه بدوا ًاز سپرده او استيفا مي شود و سپرده تا تعيين کسرقیمت و خسارات وارده مسترد نخواهد شدو متقاضیان شرکت در مزایده برای کسب اطلاع بیشتر می توانند به اجرای احکام

ر و ۱ - ۵۵۰ کی . ۲ - دستگاه توقیف شده در پرونده با شماره سریال ۹S۲۰ ۸که تماماً از فولاد ضد رنگ ساخته شده و می باشد به مبلغ ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال (دويست و پنجاه ميليون ريال) برآورد مي گردد .

صادرات از تجهیزات توقیف شده در پرونده فوق الذکر واقع در کارخانه در سه راهی سرخون بازدید کرد و به صورت زیر به

with H.J.HENINE Co.Ltd.

دکتر یونس بخشان - کارشناس دادگستری

اجرای احکام دادگستری بندرعباس به موجب پرونده اجرائی ۱۹٤/۱/۸۳ ارجاعی که محکوم علیه ۱ -شرکت کشت و صنعت خانچه سهامی خاص ۲ -نصرت اله احد پور به استناد راس شماره ۷۳۹ مورخه ۷۰/٦/۲۳ محکوم بپرداخت ۵۰۰/۵۲۰/۹۲۰ ریال بابت اصل خواسته در حق محکوم له بانک صادرات ایران نمایندگی آقای بهرام اسفندیاری و پرداخت مبلغ ۲۰۵۸۰/۱۱۲ بابت نیم عشر اجرائي گرديده است اموال منقول شركت كشت و صنعت خانچه به ميزان فوق توقيف و ملك / اموال توقيف شده و اقع در شهرستان بندرعباس سه راهی سرخون با مشخصات ۱ -دستگاه پر کن ۶۵۰ تن به شماره سریال ۹۱۱۳۲

٣ -دستگاه توقيف شده به شماره سريال ٨٩٥٢٥ كه مشخصات فني آن وقيمت هر يك پيوست مي باشد ١ -نام و نام خانوادگي صاحب ملك :شركت كشت و صنعت خانچه سهامي خاص -نصرت اله احد پور ١ -محل وقوع ملك و توصيف اجمالي أن و تعيين اينكه ملك محل سكونت يا كسب و پيشه يا تجربيات يا زراعت و غيره اس شركت واقع در شِهرك صنعتى بندرعباس - جاده سيرجان - دوراهي سرخون

با شرایط زیر از طریق مزایده کتبی به فروش می رسد .

۳ – پیشنهاد دهندگان باید قبلاً ۱۰ ٪مبلغ ارزیابی شده را بصورت سپرده نقدی بحساب شماره ۲۱۷۱۲۹۵۶،۹۰۰۸ نزد بانک ملی

٥ -مزایده در ساعت ۱۱ ظهر روز چهارشنبه تاریخ ۸٦/۱۱/۱۰ بصورت حضوری بعمل می آید و برنده کسی است که بالاترین

٦ - در صورتيكه برنده تا سه روز از جلسه مزايده و با انقضاى مهلت از پرداختِ بهاءمورد مزايده خوددارى نمايد مسئول كسر

حقوقی دادگستری بندرعباس مراجعه نمایند.

دستگاه فوق الذكر كه از فولاد ضد زنگ ساخته شده است و به همراه الكترو موتور خود كلاًبه مبلغ ٣٠٠/٠٠٠/٠٠٠ ريال (سيصدميليون

بنّا بر این مجموع سه قلم جنس توقیف شده در پرونده کلأبه مبلغ ۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (نهصدو پنجاه میلیون ریال) برآورد می

قاضى محترم اجراى احكام حقوقى بندرعباس احتراماً پیرو دستور جنابعالی در خصوص کارشناسی پرونده کلاسه۱۹٤/١/۸۳ ارجاعی اینجانب به اتفاق ونماینده بانک

۱ - دستگّاه پرکن ٤٥٠ تن به شماره سریال ۹۱۱۳٦ با مشخصات FooD Processing eguipment

Rossi and CATELL in cooperatin

دستگاه فوق با متعلقات خود که همگی از فولاد ضد رنگ ساخته شده و ساخت کشورایتالیا می باشند و کلأبه مبلغ ٤٠٠/٠٠٠/٠٠٠ ريال (چهارصد ميليون ريال) ارزيابي مي گردد . -دستگاه پیستون پمپ به شماره سریال۲۲۲۱۰۶۸ ساخت کشور ایتالیا Rossi and CATELL

مدير اجراي احكام حقوقي دادگستري بندرعباس

سالنآرایش وزیبایی

مرکز عروس هرمزگان دارای گواهینامه تخصصی پوست از فرانسه و گریم سینمایی ومیکاپ عروس از آمریکا گریم و آرایش استثنایی عروس - کلیه خدمات پوستی کپ های فانتزی - هایلایت - لولایت جدیدترین طراحی بدن و شنیونها -اصلاح با شمع آدرس: بندرعباس چهار راه مرادي پاساژ اشكان طبقه اول

آموز شگاه صنایع غذایی نانک اولین آموزشگاه صنایع غذایی استان با حدود ۱۰

سال سابقه آموزش به خواهران هم اکنون جهت برادران هم ثبت نام می نماید آشپزی ، شیرینی پزی ،کافی شاپ ، تزیینات سفره و کیک **آدرس : بین چهارراه بلوکی و سازمان ، بالای داروخانه دکتر شکیبا**

مشاوراملاک مهیار در خدمت شماست

طبقه سوم - تلفن : ۲۲۳۲۰۹۰ همراه : ۹۱۷۹۵٤۳۲۸۲

جهت خرید ،فروش ، رهن و اجاره باغ وویلا – آپار تمان – کارگاه در محدوده شهرك توحيد - شهرك نبوت - پليس راه قديم -چهچکور -آبشورک -باغو -اراضی دشت امام -دزک-شهرک دریا -شهرک برق - جهاد دریا-بانک ملی وملت و آموزش و پرورش با ما تماس بگیرید

تلفن :۱۲۴۱۳۵۱۷ ۱۷۶۰-۹۱۷۳۶۱۵۵۹۱

آرين الكتريك -

بورس انواع لوازم برقي، صنعتي و خانگي سیم کشی و تعمیرات برق ساختمانی پذیرفته می شود آدرس : بلوار امام حسين ، مغازه هاى تجارى باشگاه ابومسلم همراه : ۰۹۱۷۳۲۷۰۶۸۰ تلفن : ۳۳۵۱۱۰۰

نمايندگىفروشوار ائەخدماتپساز فروش سیستمهای صوتی تندر وبی ان سی نورپردازی وصدابرداری کلیه مجالس

بندرعباس،میدان یادبود،پاساژتجاری شهرداری،پلاک۸۷ ل تلفن: ۲۲۳۵۵۶۶ همراه:۹۱۷۳۶۳۱۲۷۶

آمونرشگاه آمرایش و پیرایش شمشاد ۱ ارائه گواهینامه بین المللی از فنی وحرفه ای ✔ آموزش تكنيك سايه و روشن - گريم ۱ آموزش خود آرایی ۱ آموزش دوره های مبتدی و پیشرفته

۱ آموزش کلیه رنگهای تخصصی ' آشنایی با محصولات آرایشی و بهداشتی 🗖 بندرعباس : روبروی بیمارستان کودکان - بالای شیرینی سرای گلشهر

🗖 همراه: ۱۷۷۲۱۹۸۱۶

دعوت به همکاری

🗖 تلفن : ٦٦٧١٧١٤ آموزشگاه

به دو منشى آقاجهت كادر در آژانس شيفت عصر وشب نیازمندیم تلفن: ۶۶۶۲۲۷۵-۶۶۶۲۱۷۵

همراه: ۹۱۲۴۴ ۹۵۵۰

آدرس:گلشهر شمالي-بهشت بندر -خيابان کوشا کوچه کوشا يک مِنْبُ املاك عدل-آژانس تاكسي تلفني زيتون سبز بندر

دعوت به همکاری

به دو نفر فروشنده ماهر خانم یا آقا ویک حسابدار مجرب خانم جهت همكارى نيازمنديم همراه:۹۱۷۷۶۰۴۴۷۹

هنوز صدای فریادهای شب در گوشم است که می

هشدارهای مصرف "الكل" به نوجوانان

١-حواست را جمع كن ، مصرف الكل وابستكي به دنبال خواهد داشت . برخلاف آنچه که ممکن است اطرافیان بگویند با مصرف پیاپی الکل ممکن است دچار وابستگی

دایمی به آن شوی. ۲ -شاید برای مدت زمانی که الکل مصرف می کنی بر مشکلاتی چون کم رویی و افسردگی غلبه کنی ولی مصرف الكلُّ باعثُ أيجاد نشاط واقعى و پايدار و يا جلب رفاقت نمی گردد . به دنبال تفریحات سالم باش تا به تو نشاط درونی واقعی

۳ - آیا جداً می خواهی دچار بیماریهای مختلف کبدی و از کار افتادن کبدشوی؟ در مورد

کاری که می خواهی انجام دهی دوباره فکر کن. ۴ - میدانی که مصرف الکل ممکن است باعث آسیب به وضعيت تحصيلي شغلى وارتباطات اجتماعي و خانوادكي تو شود ؟ سعی كن بهترين كار را انجام دهی. ۵ - حواست را جمع کن ، ممکن است توی تله بیافتی . با مصرف الكل ممكن است موقعیتهای مناسب زندگی را از دست بدهی ، پس دقت کن . 8 - مصرف الكل مى تواند كار پرخطرى باشد. الكل باعث

عدم تعادل رواني و حركتي شده ، احتمال تصادفات رانندگی با مصرف آن بیشتر می شود . ٧ - در مقابل فشار گروه مقاومت كن . فشار گروه ممكن است تورا وادار به مصرف الكل كند واقعا آيا مي پسندي در گروهی باشی که افراد به سلامت خود آسیب می زنند

٨ - براى حل مشكلات و سئوالات به افراد قابل اطمينان و آگاه مراجعه كن. مصرف مشروبات الكلي نمي تواند به حل مشكلات كمك كند . ٩-بر خلاف عقيده بعضى افراد كه تصور مى كنند مصرف

الكُل فرد را فربه مى كند متاسفانه به دلیل جذب ویتامین گروههای مصرف کننده الكل دچار كمبود ويتامين و عوارض ناشى از آن مى شود

١٠- به نظر تو چرا بعضى ها فكر مى كنند مشروبات الكلى وابستگی ایجاد نمی کند زيرا وابستگی به مشروبات الکلی به طور نا محسوس ایجاد می شود به طوری که فرد متوجه زمان وابستگی فرد به الکل نمی شود.

